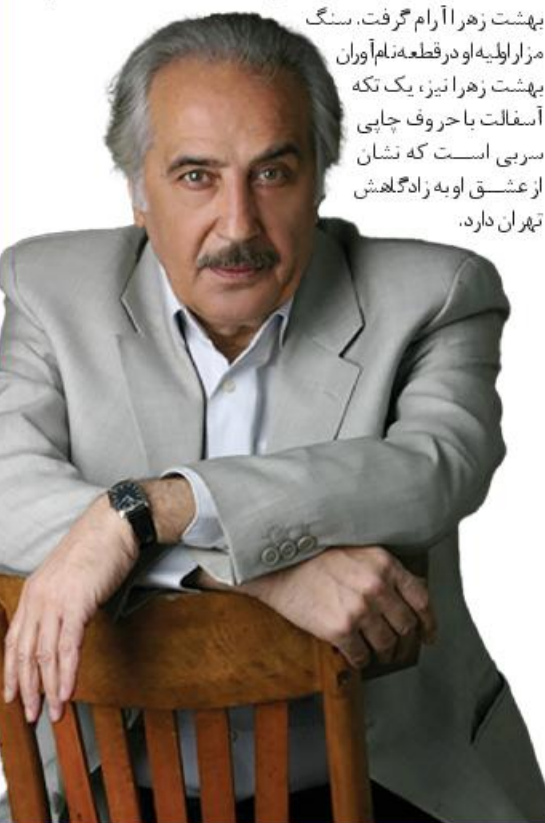


پرچمی که در دفاع از فلسطین بلند شد

او جدای روزنامه‌نگار، نویسنده، شاعر و حقوق‌دانی صاحب‌نام است بعدها از این گفت و گویا خاطره خوش نقل کرد. او در کنار کارهایش، بازی در چند فیلم از جمله ستارخان (۱۳۵۱) به کارگردانی علی حاتمی و آرمش در حضور دیگران (۱۳۵۱) با کارگردانی ناصر تقوایی و همچنین پس از انقلاب، در سال ۱۳۸۰ فیلم رخساره، به کارگردانی امیر قویدل و فیلم شناسایی (۱۳۶۶) به کارگردانی محمدرضا اعلامی را تجربه کرده است. این شاعر، روزنامه‌نگار و منتقد ادبی، از معدود شاعران و نویسندگان ایرانی است که در دنیای ادبیات غرب نیز شناخته شده، و توانسته است نشان شولییه نخل (ژوین دوتور) آکادمی فرانسه، و جایزه ماکس ژاکوب را دریافت کند. او به عنوان یکی از چند نماینده معدود ادبیات معاصر فارسی، سهم بزرگی در معرفی ادبیات ایران به جهانیان دارد و بسیاری از آثار او تا به حال به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسه، هلندی، عربی، و سوئدی ترجمه شده است. سپانلو، شهرتش را بیشتر مدیون مجموعه اشعارش از جمله رگبارها، پیاده‌روها، نبض وطنم رامی گیرم، تبعید در وطن، سلعت امید، فیروزه در غبار، پاییز در بزرگراه، و فایق سواری در تهران است. او معتقد بود باید با قلم برای وطن گفت و دادگاهش برای دفاع از میهن بود. تا آنجا که به گفته خودش، شعر مشهور «نام تمام مردگان یحیاست» را که در خواب می‌بیند، برای کودکان جنگ سروده است. وی شعری هم درباره فلسطین به نام «چریک‌های عرب» دارد که درباره‌اش گفته است: «در زمان شاه این شعر را به عنوان پرچمی در دفاع از فلسطین بلند کردم». سپانلو در کنار شعر و برگردان آثار ادبی، ترجمه آثاری از نویسندگانی چون آلبر کامو و ژان پل سارتر، رانیز در کارنامه خود دارد. وی، در سه مجموعه «خاتم زمان»، «هیكل تاریک» و «فایق سواری در تهران» زادگاهش را به عنوان محور اصلی شعر و در حد یک لسطوره مطرح می‌کند و به همین دلیل به «شاعر تهران» معروف شد. قطار زندگی سپانلو، سر لجام شلمگاه دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۴ در سن ۷۴ سالگی از حرکت ایستاد و در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا آرام گرفت. سنگ



مزار اولیه او در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا نیز، یک تکه آسفالت با حرف چاپی سربی است که نشان از عشق او به زادگاهش تهران دارد.

بهناز وفایی وحدت - محمدعلی سپانلو، چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۱۹، چهل سال پس از آخرین سفر لئونیکلاویچ تولستوی، عارف، فیلسوف و رمان نویس اهل روسیه، که منجر به پایان زندگی اش در ایستگاه راه‌آهن آستاروفو در سن ۸۲ سالگی شد، در یک روز پاییزی خیابان ری تهران، در خانواده‌ای علاقمند به شعر و شاعری به دنیا آمد. با وجود این که پدرش کارمند بانک ملی بود، ولی محمد علی را از همان ابتدا با داستان‌ها و شعرهایی که از شاهنامه و سعدی و نظامی می‌خواند، آشنا کرد. او دوران تحصیل را بعد از دبستان کسلی، به خاطر جایجایی خانه‌شان در دبستان ادب با احمد رضا احمدی، که او نیز بعدها شاعر، نمایشنامه‌نویس و نقاش ایرانی و بنیان‌گذار سبک موج‌نود در دهه ۱۳۴۰، در شعر معاصر ایران می‌شود، می‌گذراند. آشنایی و دوستی آن دو تا جایی پیش می‌رود که در سال ۱۳۴۳ به همراه هم و در کنار دوستان دیگری چون نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری علاء، مهر داد صمدی، بهرام بیضایی، اکبر رادی، جعفر کوش‌آبادی، مریم جزیری و جمیله دبیری، گروه طرفه، را با هدف دفاع از هنر موج‌نو و چاپ و انتشار کارهای‌شان تاسیس می‌کنند که انتشار دوشماره جنگ طرفه و تعدادی کتاب شعر و داستان از کارهای این گروه است. چون پدر، تمایل زیادی به زبان فرانسه داشت، وی را در مهر ۱۳۳۲ در دبیرستان رازی واقع در خیابان فرهنگ که زبان فرانسه در آن تدریس می‌شد ثبت‌نام کرد و دنیای جدیدی به روی او گشوده شد. معاشرت با افرادی از کلاس‌های بالاتر و همچنین فعالیت‌های فوق برنامه مانند تهیه روزنامه‌یواری یا پیشاهنگی باعث شد او با کتاب‌سازان دیگر و در نهایت تبدیل به یک کتاب‌خوان حرفه‌ای شود و این اتفاق، راه را برای آینده‌ای که در ذهنش می‌پروراند هموار ساخت. پس از کلاس دهم به مدرسه دارالفنون رفت و با افرادی چون دارفوش آشوری، بهرام بیضایی، نادر ابراهیمی و عباس پهلوان، آشنا شد. در همان سال‌ها بود که داستانش به نام دشت پندار، در مسابقه داستان‌نویسی مجله سخن، برگزیده و در آن مجله چاپ شد. سپانلو، هنوز در نویسندگی به سختی لازم نرسیده بود و همچنان در دارالفنون مشغول تحصیل بود که داستانی تاریخی به نام نیزه پارسی، را تحت تأثیر باورهای مستعان و مسرور نوشت و با هزینه شخصی چاپ و منتشر کرد که تحقیقی برای او نداشت. شاید غرور جوانی بر او مستولی شده بود، اما هر چه بود سپانلو، بعدها هیچ‌گاه این کتاب را در کارنامه و کتاب‌های رسمی خودش ثبت نکرد.

سپانلو، پس از فارغ‌التحصیلی از دارالفنون، در دوره‌های حقوق و ادبیات دانشگاه قبول شد اما در کمال ناباوری و در خلاف علاقه‌اش به ادبیات و نویسندگی، رشته حقوق دانشگاه تهران را انتخاب کرد. با این وجود از نویسندگی دست نکشید و در آن سال‌ها مطالبی برای مجله اطلاعات جوانان می‌نوشت و هم‌چنین کتلی به نام بچ‌بچه‌ای در ظلمت، را از فرانسه به فارسی ترجمه کرد که به صورت باورقی در روزنامه نیز چاپ شد. پس از این که از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده به خدمت سربازی رفت و در فروردین ۱۳۴۳ به مرکز تویخانه اصفهان اعزام شد. سفری سر نوشت ساز که او را با هسته اصلی جنگ اصفهان یعنی محمد حقوقی، هوشنگ گلشیری، ابوالحسن نجفی و احمد میرعلایی آشنا کرد. سپانلو در محافل شعر آنان شرکت و شعرهایش را می‌خواند و در همان برهه زمانی اولین کتاب شعرش به نام آه، بیابان، چاپ و منتشر شد. پس از پایان خدمت، به سفارش مهر داد صمدی، به عنوان مترجم خبر، در رادیو مشغول به کار شد و هم‌زمان در مجله فر دوسی نقد و مطلب می‌نوشت. از مطالب به یادماندنی زمان همکاری سپانلو با مجله فر دوسی می‌توان به مصاحبه‌اش با آگاتا کریستی اشاره کرد که در پی سفر این نویسنده ادبیات کارآگاهی و جنایی به تهران انجام شد. آگاتا کریستی، پس گفت‌وگویی با سپانلو، وقتی دلست طرف مصاحبه



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران خیابان آیت‌الله مفتحی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

چگونه می‌توانیم که غایب بدانیم؟ مگر که خفته باشی

۲۹ آبان مصادف است با تولد یوکلستین دیو کلتیوس یا دیو کلتیان، که در سن ۳۴ سالگی امپراتور روم شد و در ۲۱ سال حکومت خود امپراتوری روم را بین چهار نفر تقسیم و خود به حکومت بر متصرفات شرقی پرداخت که شامل مصر، یونان، مقدونیه و ارمنستان بود و بدین ترتیب به دوران آشوب‌های امپراتوری خاتمه داد و باعث ثبات امپراتوری شد. او با ترسه، پادشاه ایران از دودمان ساسانیان پیمان صلحی بست که چهل سال دوام داشت و دو کشور بر سر مرزها به هم دست‌نمی‌رسیدند. همچنین با پرتاب زاریا، در روز ۲۹ آبان ۱۳۷۷ (۲۰ تلوامبر ۱۹۹۸) توسط پروتون، از پایگاه فضایی بایکونور به مدار زمین، ایستگاه فضایی عملیات شد.

اکنون بیست و چهارمین سالگرد زندگی بی‌وقفه فضل‌وردان در این ایستگاه فضایی بین‌المللی است که نهمین ایستگاه فضایی سر نشین دار در مدار زمین است و رکورد طولانی‌ترین قدمت بی‌وقفه در فضا را به نام خود ثبت کرده است.

همچنین ۲۹ آبان ۱۴۰۱، هشتاد و دومین سال روز تولد شاعر معاصر ایرانی، مشهور به شاعر تهران، است. شاعری که فعالیت‌های بسیاری در جهت معرفی ادبیات و فرهنگ ایران به مردم جهان داشته و از معدود شاعران ایرانی است که توسط غربی‌ها نیز شناخته شده و چند جایزه جهانی دریافت کرده است. شاعری که ۷ سال است در بین مانیست‌ها اما وقتی در حافظه‌مان بهانه‌ها را مرور می‌کنیم و گذشته را به آفتاب می‌سپاریم، محمدعلی سپانلو، شاعر، منتقد ادبی، و مترجم را می‌بینیم که هرگز نرفته است. نام او در بین بیش از شصت جلد کتاب در زمینه‌های شعر، داستان و تحقیق، به صورت تألیف یا ترجمه همچنان مانا است و هرگز فراموش نمی‌شود. به روایت یکی از اشعار خود او «به رستی، تو ساعتی تو چراغی تو بستری تو سکوتی، چگونه می‌توانیم که غایب بدانیم؟ مگر که خفته باشی.»

شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir

